

## رستم‌الحکماء و شمس‌الوزراء

از این نویسنده چندین اثر در دست هست که در فهرستها و در دیباچه رستم‌التواریخ یاد شده است. نسخه شماره ۵۷۹۲ دانشگاه تهران «قیمت اجناس زمان خان زند و کیل» که در مجلد ۱۶ دانشگاه (زیر چاپ) شناسانده‌ام هم از اوست.

اینک دو رساله دیگر او را در اینجا می‌شناسیم:

۱- رساله شیرین رستم‌الحکماء که به شماره M1270 در کتابخانه دانشگاه لس‌آنجلس در امریکا نگاه‌داری میشود و به خط نستعلیق راسته و چلیپای ۱۲۶۱ و نسخه اصل است، آغاز افتاده و رویهم ۹۱ برگ ۱۲ سطری دارد و به اندازه بغلی است بدینگونه.

«رساله شیرین رستم‌الحکماء» جنگ و مجموعه ایست از همین رستم‌الحکماء محمدهاشم حسینی موسوی صفوی به نام محمدشاه قاجار به نظم و نثر فارسی و او در پایان نسخه و درمیانه آن از خود وصف میکند، در دو بخش است:

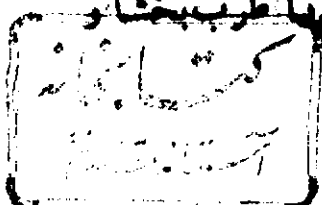
۱- دیوان شعر است از «رستم‌الحکماء کثیر الفوائد دینی و دنیوی» در توحید و نعمت و مدح محمدشاه و توصیه مردم و تعریف سلاطین و تنبیه و اندرز و مسائل فقهی و کلامی و بشارت و علامت ظهور صاحب‌الامر و تاریخ ظهور او. این دیوان او که بخش یکم این نسخه است «مجموعه الفضائل» نامیده میشود و ترجیح بند است درباره قاجار و مذهب شیعی سپس بشارت‌نامه نظم درباره خروج خاقان آقا محمد و بشارت‌نامه نشر در همین باره و جلوس‌نامه فیروزی خاقان فتح‌علی شهنشاه.

۲- منافع انعام و وحوش و معادن که به نثر فارسی است، او فهرست مصنفات خود را در بخش یکم پس از دیوان خود می‌آورد که رساله دوم میشود از آن بخش، در فهرست قطعات شعری خود که درباره موضوعات گوناگون است شماره بینهای آنها را یاد میکند.

فهرست مصنفات و رسائل او از عربی و فارسی و نثر و نظم پس از دیوان در ۲۲ ص و مورخ روز سه شنبه یکم ع ۱۲۶۱/۱ است. او پس از شرح بخشهای دیوان یا مجموعه الفضایل یاد میکند از: «معمانامه» به نام سلطان محمد، «طب العوام» به نام همو، «خلاصه علم الهی»، «فتح نامه غوریان»، شرح «الفیه» شهید در روزگار مرادخان و به نام فتح علی شاه، «رویای صادق»، «چهار خطبه»، «گلزار حکمت»، «گلشن»، «پادری نامه»، «علم متشابهات حروف»، «مختصر التواریخ»، «رساله حرف و صنایع و کارها و کسبها» که در آن سیصد و ششت و شش حرفه و پیشه بر شمرده شده است، رساله در منافع انعام و وحوش که نیمه دوم این جنگ می‌باشد، «خلاصه زند و پازند و تورات و انجیل و زبور و قرآن»، «رساله در مساحت»، «رستم التواریخ»، «قانون السلطنة»، رساله در رد کسانی که دعوی صاحب‌الزمانی کرده‌اند، رساله در تاویل «من عرف نفسه عرف ربه». رساله در علم موسیقی که از رساله حاجی امیرخان مطرب‌باشی سلطان حسین بهتر است، رساله نغز در اخلاق، رساله در هندسه، رساله در سد و سرورت (؟) کنز الحکام، رساله شرح خط میمون، رساله شیرین مقاله مجموعه المناهج، نامه‌های حکمت و مصلحت، هزار و پانصد پادشاهی، دو فسیله طولانی فلسفی، شرح بازی بزم خاقان و بازی عالم مثال و بازی هفت کواکب که برای فتح علی شاه جنت‌مکان اختراع کرده است.

درباره موسیقی دانی خود می‌نویسد که رساله‌ای در علم موسیقی نوشتم

ولی از همه کس پنهان شده است. دو ساز اختراع کردم: یکی با طرب‌بخش و



دیگری را نشاط انگیز نام نهادم. تا اینکه میگوید که منع این داستان (موسیقی) نتیجه سخافت و سفاهت و خرسالچی و اخلال در حکمت ربانی است و عمال این علم مبارک به جهت ملوک و سلاطین و وزراء و امراء و حکام و صناید و روسا و ارباب حل و عقد بسیار ضرور است. من کلام جامی:

چیست میدانی صدای چنگ و عود      انت حسبی انت حسبی یاودود

معلم کل این علم مبارک حکیم ابو نصر فارابی است.

سپس می نویسد که من حسب الامر فتح علی شاه جنت مکان صفوی قاجار مامور به دارالعلم شیراز گردیدم به این نیت که چهل روزه بازگردم. فرمان فرمای ملک آرای حسین علی میرزا فرزند ارجمند فتح علی شاه این داعی را نگاه داشته بود و میرزا باقرخان جواهری باشی ملقب به ضیاء الدوله بارغاروندیم خود را به میزبانی من واداشت. من پس از هشت سال از شیراز به اصفهان که میهن من است برگشتم. دیدم که کدبانوی خانه ام مسرد و دو دخترم را او به شراب خوارگان داده و اموال را جهاز آنها کرده بود. او اسباب حکمتم را با رساله ای که در این علم شریف (موسیقی) نگاشته بودم و آن دوساز یاد شده را بر باد فنا داده است.

اما رساله ای که «حاجی امیرخان مطرب باشی» خاقان خلد آشیان شاه سلطان حسین الحسینی الموسوی الصفوی بهادرخان در این علم شریف موسیقی ساخته و در دست هست بی حاصل است.

او درباره رساله خود در رد مدعیان نیابت صاحب الزمان چنین می نویسد: «رساله در رد و بطلان» دعوی کسانی که میگویند ما نایب صاحب الزمانیم. هر کس چنین ادعائی نماید یا صاحب جنون است یا صاحب مالیخولیا است یا نتیجه چرس و بنگ و بنج تفت است یا جن و شیاطین در او حلول می نماید و امور غریبه و عجیبه بسیار از او سر میزند و جهال فریفته او میشوند. این طالب

حق چنین داستان را بسیار دیده‌ام و مدعیان آخر همه کشته و سنگسار شدند بر اولوالالباب معلوم باد که پادشاهان عادل اسلام پناه در سلطنت نایب‌های آن جناب میباشند و علمای با عدالت و انصاف در شریعت نواب آن بزرگوار می‌باشند.

در میانه دیوان آمده است «رسالة شیرین رستم‌الحکماء تحریر ذح ۱۲۰۶» ولی باید ۱۲۶۰ باشد چه تاریخ ۱۲۶۱ در پایان فهرست دیده میشود.

۲- دستوری نامه فیروزی علامه رستم‌الحکماء و شمس‌الوزراء آصف که نسخه‌ای از آن در دانشگاه تهران به شماره ۹۳۱۷ هست، اصل نوشته خود مؤلف است و به نستعلیق با عنوانها و حاشیه‌های شنکرف و جلد تیماج سبز تیره لایی به اندازه ربعی بیاضی در ۱۶۴ برگ ۱۰ س.

در آن نخست شعرهای فارسی خود اوست (برگ ۱ تا ۶۱ ر) سپس نثر فارسی او (۶۲ تا ۱۴۱ پ) آنگاه باز شعر فارسی و عربی و رباعی او (۱۴۳ ر تا ۱۴۶ پ)

آغاز بسمه تعالی من کلام رستم‌الحکماء فتاح قوه افتاح است ازین، برنام مبارکت به وجهی احسن.... دستوری نامه فیروزی علامه رستم‌الحکماء و شمس‌الوزراء اینست که مبارک باد.

بسمه. گر گنجه و تفلیس را بخشد به من شاه جهان

روسیه را بیرون کنم از خاک آذربایجان

انجام: در نزد جهول آتش و آب یکیست

جلد سنگ و خوک و خز و سنجاب یکیست

افسوس کسه از برای این خرم نشان

سرگین و شتر دانه و عناب یکیست

مبارک باد مبارک باد

درباره این رساله در شماره نخستین نشریه گروه آموزشی تاریخ مقالاتی  
سودمند هست و از آن استنتاج تاریخی شده است .

اینک پاره‌ای از اشارتها و نکته‌های آن را در اینجا می‌آورم:

۱- او در ۱۱۹۹ در اصفهان نوزده ساله بوده است (۴۰ر)

۲- او در ۱۲۴۱ در تهران میزیسته است (۶۲ر)

۳- او می‌نویسد که اگر بنده دولت خواه در ۱۲۴۲ در پایتخت اعلی

بوده‌ام کار ایران چنین نمی‌شده و این زبان به شاه نمی‌رسیده است .

۴- در ع ۱۲۴۳/۲ در اصفهان خبر رسید که خانهای زند کشته شدند

(۵۵پ)

۵- در ۱۲۴۴ او در تهران بوده که میان ایران و روس جنگ شده بود

و او در میانه ماه رمضان خوابی دیده و داستان پرشش و پاسخ حکیمانه خود

را در آن به نثر فارسی می‌آورد که به شاه خطاب میکند و مطالبی از حکمت

سیاسی را یاد میکند و می‌خواهد که میان ایران و روس به آشتی بیانجامد.

این تاریخ يك سال پس از جنگ ترکمان‌چای است و اندکی پس از کشته

شدن گریبایدف .

۶- در آن آمده است که «اکنون در فکر و تدبیر سال‌هزار و دوست و

پنجاه باش» (۱۱۶پ)

۷- او می‌گوید که امام زمان در ۱۲۶۲ در «بشارت نامه فیروزی علامه»

خواهد آمد.

۸- او در ۱۲۶۴ هم در تهران بوده است (۷۲پ)

۹- از تاریخهای ۱۲۰۵ و ۱۲۵۰ و ۱۲۶۲ و ۱۲۶۴ باز در آن یاد شده

است (۳۵پ)

۱۰- در برگ ۱۴۲ ر آمده است:

حالت روزگار می‌بینم

قدرت کردگار می‌بینم

با دنباله آن که درویشان خانه بدوش بیابانی در روستاها و شهرها در خانه‌ها میخوانده و آنها را پیش‌بینی شاه نعمت‌اله‌ولی کرمانی برای آینده میدانستند و چاپ هم شده است. چنین شعری هم اهماعلی‌بان بدخشان دارند که در گفتار برتلس دانشمند روس درباره ناصر خسرو (جاویدان خردش ۱ ص ۴۱) می‌بینیم .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی